مقاله پژوهشی

پیشنهاد شیوه‌ای برای تعیین بار ارزشی سروده‌های ادبی معاصر

وجیهه اولیاءزاده، رضا بیات*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۲۸۵-۲۶۵

DOI: http://10.22034/bahareadab.2024.17.7465

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: پیش‌فرضی همیشگی وجود دارد که در متن ادبی، واژه‌ها در معنایی فراتر از معنای قاموسی خود به کار میروند و به همین دلیل، در مطالعات ادبی عمدتا به معانی ثانوی پرداخته میشود؛ چنانکه حتی در زبانشناسی که بنا داشته به زبان و نه ادبیات، بپردازد، اصطلاحات معنای ضمنی، طنین معنایی، معنای کاربردشناختی، بار معنایی و ... ساخته شده و رواج یافته است.

روشها: در این پژوهش، این پیش‌فرض نفی نمی‌شود؛ بلکه تنها یادآوری میشود که در پیچیده‌ترین متون نمادگرا نیز معنای صریح و قاموسی واژه‌ها، حتی خارج از بافت جمله، میتواند روحیات شاعر و نویسنده را آینگی کند. در این پژوهش با وامگیری اصطلاح نظام ارزشی از تخیل‌شناسی ژیلبر دوران، بار ارزشی واژه‌های یک متن را به سه بخش مثبت، خنثی و منفی تقسیم کرده‌ایم و کار را با دو مرحله آزمایش پیش برده‌ایم؛ ابتدا قطعاتی از شعر و نثر شش ادیب معاصر را با هم سنجیده‌ایم و سپس سه شعر کامل از اخوان و شاملو را با رسم نمودار روند ارزشی متن قیاس کرده‌ایم.

یافته‌ها: در این پژوهش دو ا صطلاح «ارزش احـ سا سی واژه» و «روند احـ سا سی متن» تعریف شده‌اند. این مفاهیم کمک میکنند صرفا با برر سی واژه‌ها مـستقل از متن، حتی با کمک رایانه، توان انگیزش عاطفی یک متن را تخمین بزنیم. شیوهٔ محاسبهٔ ارزش احساسی و روند احساسی با چند مرحله آزمون و خطا به گونه‌ای تنظیم شـــده که نتایجش با فهم مخاطبان شـــعر که در مقالات و کتب ثبت شده تطابق داشته باشد. بدین ترتیب شیوهٔ پیشنهادی راستی‌آزمایی شده است.

نتیجه‌گیری: واژه‌هایی که به هر شکلی نشان از زندگی و حرکت داشته باشند، بار احساسی مثبت دارند و واژه‌هایی که نشان از سکون و ایستایی داشته باشند، منفی هستند. واژه‌های خنثی یا اقتضای خاصی ندارند (مثل بیشتر حروف: و، یا، ...) یا دو وجهی هستند و گاهی مثبت و گاهی منفی محسوب میشوند (مثل خون که گاهی نشان قتل است و گاهی یادآور زندگی).

تاریخ دریافت: ۱۵ دی ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۱۶ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۰۱ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۸ فروردین ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:
زبان‌شناسی، معنای قاموسی، ارزش احساسی واژه، روند احساسی متن، سبک‌شناسی رایانشی.

* نویسنده مسئول:
bayat.dr@sru.ac.ir
(+۹۸ ۲۱) ۲۲۹۷۰۰۶۰

Seventeenth year, Number Eight, November 2024, Continuous Number 102, Pages: 265-285

Journal of the stylistic of Persian poem and prose
(Bahar-e- Adab)
Home page: https://www.bahareadab.com

ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Proposing a method to determine the value of contemporary literary works

V. Oliazadeh, Reza Bayat*
Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 05 January 2024
Reviewed: 05 February 2024
Revised: 20 February 2024
Accepted: 06 April 2024

KEYWORDS
linguistics, dictionary meaning, affective meaning of the word, affective trend of the text, Computational stylistics

*Corresponding Author
✉ *bayat.dr@sru.ac.ir*
☎ (+98 21) 22970060

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: There is a constant assumption that in literary texts, words are used in a meaning beyond their dictionary meaning, and for this reason, literary studies mainly deal with secondary meanings; As even in linguistics, which is based on language and not literature, the terms implicit meaning, semantic resonance, pragmatic meaning, semantic load, etc. have been created and popularized.

METHODOLOGY: In this research, this assumption is not negated; Rather, it is only reminded that even in the most complex symbolic texts, the explicit and dictionary meaning of the words, even outside the context of the sentence, can reflect the mood of the poet and the writer. In this research, by borrowing the term value system from Gilbert Doran's imagination, we have divided the value load of the words of a text into three parts, positive, neutral and negative, and we have advanced the work with two stages of testing; First, we have compared pieces of poetry and prose of 6 contemporary writers, and then we have compared three complete poems of Akhwan and Shamlou by drawing a diagram of the value trend of the text.

FINDINGS: In this research, two terms "emotional value of the word" and "emotional process of the text" are defined. These concepts help to estimate the emotional motivation power of a text simply by examining the words independently of the text, even with the help of a computer. The method of calculating the emotional value and the emotional process is adjusted with several stages of trial and error in such a way that the results match the understanding of the audience of the poem recorded in the articles and books. In this way, the proposed method has been verified.

CONCLUSION: Words that show life and movement in any way have a positive emotional charge, and words that show stillness and stagnation are negative. Neutral words either do not have a special requirement (such as most letters: and, or, ...) or they are two-faceted and sometimes positive and sometimes negative (like blood, which is sometimes a sign of murder and sometimes a reminder of life).

DOI: http://10.22034/bahareadab.2024.17.7465

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
22	11	10

تعاریف:

برای پیشبرد بحث ناچاریم که چند اصطلاح را بشناسیم و به کار بگیریم. برای این تعاریف از مقالهٔ «بررسی و توصیف طنین معنایی و معنی ضمنی واژه» بهره میگیریم:

معنای ضمنی (connotation) به معنای مضاعفی اشاره میکند که یک واژه یا عبارت علاوه بر معنای اصلی خود دارد. از دیدگاه لیچ (۱۹۷۴) معنای ضمنی معنای ارتباطی یک عبارت است که به واسطهٔ اشاره داشتن به چیزی علاوه بر معنای صریح خود به دست می‌آورد. (ص۱۲).

طنین معنایی (semantic prosody) عبارت است از: «هاله‌ای از معنا که توسط همنشین‌های یک واژه به آن القا میشود؛ یعنی انتقال معنا از متن همنشین به یک واژه.» از دیدگاه طنین معنایی، نمی توان واژه ای را به تنهایی و دور از همنشین‌هایش مورد بررسی قرار داد.

معنای معناشناختی (semantic meaning) عبارت است از معنایی که صرفا از عوامل زبانی در فرایند ارتباط استنباط میشود؛ حال آنکه معنای کاربرد شناختی (pragmatic meaning) معنایی است که توسط عوامل غیرزبانی مؤثر بر ارتباط القا میشود. (ژانگ، ۲۰۰۷: ۱۹۰)

از دیدگاه سینکلر (۱۹۹۶: ۷۸-۸۸؛ منقول از استوارت، ۲۰۱۰: ۱۰)، طنین معنایی به عنوان یک پدیدهٔ نگرشی، در طرف کاربردشناختی طیف معنایی-کاربردشناختی قرار دارد؛ بنابراین میتواند نمودهای بسیار متنوعی داشته باشد؛ چرا که در عبارتهای کاربردشناختی، ارزشهای معناشناختی کلمات لزوما دخیل نیستند؛ اما هنگامی که در بین عبارتهای متنوع به طنین معنایی توجه میکنیم، مشخص میشود که طنین معنایی نقش اساسی در پیوستگی یک عنصر با عناصر هم‌بافتش دارد. طنین معنایی چیزی بسیار شبیه به کارکرد یک عنصر را بیان میکند. در واقع طنین معنایی تعبیر کارکردگرایانهٔ یک عنصر را مشخص میکند.

همچنین پارتینگتون (۲۰۰۴: ۱۳۱؛ منقول از استوارت ۲۰۱۰: ۱۴) طنین معنایی را به عنوان نوعی معنای ارزشی معرفی کرد که در یک واحد زبانی گسترده است و عملا از حد یک واژهٔ املایی فراتر رفته است و در نگاه اول ممکن است کمتر به چشم بیاید.

مایکل استابس طنین معنایی را «پدیده‌ای خاص از نوع همنشینی» تعریف میکند و همنشینی را «باهم‌آیی پربسامد دو یا چند کلمه» میداند. علاوه بر این، او طنین معنایی را به سه دستهٔ منفی، مثبت و خنثی طبقه‌بندی میکند. (حسینی معصوم، ۱۳۹۱: ۱۰؛ منقول از استابس، ۱۹۹۶: ۱۷۶ و ژانگ، ۲۰۰۷: ۱۹۱).

نظریهٔ دیگری که میتواند به ما کمک کند، آرای ژیلبر دوران است که به تخیل شناسی مکتب پاریس شهرت یافته (رک. عباسی، ۱۳۹۰). دوران، تمام واژه‌ها و نشانه‌ها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد: روزانه و شبانه. او روزانه را تقریبا معادل حماسی یا مردانه در نظر گرفت و شبانه را معادل تقریبی احساسی یا زنانه. ما در این نوشته به طور دقیق از الگوی دوران پیروی نکرده‌ایم؛ بلکه در تقسیم‌بندی واژه‌ها از روش او بهره برده‌ایم. ما بار معنایی واژه‌ها را به سه گروه مثبت، منفی و خنثی تقسیم کرده‌ایم. توضیح این تقسیم‌بندی در آغاز این قسمتهای سه گانه آمده است.

ادعای این نوشته: معنای معناشناسانه (معناشناختی) میتواند جهت عاطفی و احساسی اثر را نشان دهد

با توجه به آنچه گذشت، با ذکر دو مقدمه، به طرح ادعای این نوشته میپردازیم:

یک. واژه‌های یک متن دو نوع معنا دارند: معنای معناشناسانه و معنای کاربردشناسانه. حتی در متون عادی و همچنین گفتار روزمره، بسیاری از واژه‌ها با معنای کاربردشناسانه در جمله حضور دارند. تصور کنید این جملات را به گوگل ترنسلیت بدهید و آن ربات، بر اساس معنای معناشناسانه ترجمه کند: «فلان کس هنگ کرده، آب و روغن قاطی کرده، دل و دماغ ندارد و ...». اینها جملات معمولی است که در روزمره به کار میرود و هنوز وارد فضای ادبیات نشده‌ایم.

دو. در متون ادبی که معانی ثانویه و ضمنی بسیار بیشتر و پرتکرارتر از متون عادی حضور دارند، با شناخت و اندازه‌گیری معانی کاربردشناسانه میتوان به اغراض یا لایه‌های پنهان متن پی برد.

نتیجهٔ این دو مقدمه چنین شده که پژوهشهای ادبی سرشار از پرداختن به معانی ثانویه است و هر چه اثر هنریتر یا رمزیتر باشد، میل به گذشتن از معنای اولیه و معناشناسانه و پرداختن به معنای ثانوی و ضمنی و کارکردشناسانه بیشتر میشود.

ادعا: گاهی آنقدر به معانی ثانوی و ضمنی و کاربردی مشغول میشویم که نقش و کارکرد اصلی زبان و واژه‌ها را فراموش میکنیم. حداقل در ادبیات سمبولیک معاصر، با وجود تمام پیچیدگیهای زبان ادبی، باز هم معانی اولیه و معناشناسانهٔ واژه‌ها یک متن میتوانند لایه‌های پنهان متن و حتی شخصیت و روحیات شاعر یا نویسنده را آینگی کنند.

ایراد: فرض کنیم که این روش را دربارهٔ شعر حافظ به کار بگیریم. در نتیجه بعد زمینی و خوشباشی و شرابنوشی حافظ غیر قابل انکار میشود و راه بر توجیه و تأویل عرفانی شراب حافظ بسته میشود. ممکن است این نتیجه بسیاری از حافظ پژوهان را از این شیوه ناامید کند و این شیوه را ناکارآمد جلوه دهد.

در جواب چنین میگوییم: ما این شیوه را در شعر عصر پهلوی آزموده‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم. ادعایمان را نیز در حد شعر معاصر (پهلوی) مطرح کرده‌ایم. ساختار رمزگذاری عرفانی با رمزهای اجتماعی معاصر متفاوت است. ما این نکته را میدانیم و در تلاشیم که چگونگی رمزگشایی ادبیات عرفانی را نیز با آزمون و خطا به دست بیاوریم. مقالهٔ «کارکردها و نمودهای شراب در شعر حافظ» تلاشی در همین زمینه است.

اثبات:

در نگاه نخست به نظر میآید که دو جملهٔ «خوبم» و «بد نیستم» که معنای کاربردی تقریبا یکسانی دارند، در سطح واژه‌ها بار و طنین معنایی متفاوتی دارند؛ یکی از دو واژهٔ منفی (بد/ نیستی) استفاده کرده و یکی از دو واژهٔ مثبت (خوب/ هستی). اما با کمال تعجب در کلیت یک متن، حتی متن بسیار کوتاه، این ظرافتها رنگ میبازد و دیدگاه و روحیات اصلی نویسنده قابل تشخیص است.

برای آزمون حدود ۱۰۰ واژه از یکی از مشهورترین شعرها یا داستانهای شش ادیب عصر پهلوی را انتخاب کردیم:

صادق هدایت (آغاز داستان بوف کور)

در زندگی زخمهایی هست که مثل خوره روح را آهسته در انزوا میخورد و میتراشد.

این دردها را نمیشود به کسی اظهار کرد، چون عموما عادت دارند که این دردهای باورنکردنی را جزو اتفاقات و پیش‌آمدهای نادر و عجیب بشمارند و اگر کسی بگوید یا بنویسد، مردم بر سبیل عقاید جاری و عقاید خودشان سعی میکنند آنرا با لبخند شکاک و تمسخرآمیز تلقی بکنند – زیرا بشر هنوز چاره و دوائی برایش پیدا نکرده و

تنها داروی آن فراموشی به توسط شراب و خواب مصنوعی به وسیله افیون و مواد مخدره است – ولی افسوس که تاثیر اینگونه داروها موقت است.

نیما یوشیج (شعر داروگ)

خشک آمد کشتگاه من
در جوار کشت همسایه
گر چه میگویند: میگریند روی ساحل نزدیک
سوگواران در میان سوگواران
قاصد روزان ابری، داروگ! کی میرسد باران؟
بر بساطی که بساطی نیست
در درون کومه تاریک من که ذره‌ای با آن نشاطی نیست
و جدار دنده‌های نی به دیوار اطاقم دارد از خشکیش میترکد
چون دل یاران که در هجران یاران
قاصد روزان ابری، داروگ! کی میرسد باران؟

احمد شاملو (آغاز شعر سرود ابراهیم در آتش)

در آوار خونین گرگ و میش
دیگرگونه مردی آنک
که خاک را سبز میخواست
و عشق را شایسته زیباترین زنان
که اینش
به نظر
هدیتی نه چنان کم بها بود
که خاک و سنگ را بشاید.
چه مردی چه مردی
که میگفت
قلب را شایسته‌تر آن
که به هفت شمشیر عشق
در خون نشیند
و گلو را بایسته‌تر آن
که زیباترین نامها را
بگوید
و شیر آهن کوه مردی از این گونه عاشق
میدان خونین سرنوشت

به پاشنه آشیل
در نوشت
رویینه‌تنی
که راز مرگش
اندوه عشق و
غم تنهایی بود
آه اسفندیار مغموم
تو را آن به که چشم فروپوشیده باشی

سهراب سپهری (آغاز شعر آب)

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار، کفتری میخورد آب
یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر میشوید
یا در آبادی، کوزه‌ای پر میگردد.
آب را گل نکنیم
شاید این آب روان، میرود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی
دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب
زن زیبایی آمد لب رود،
آب را گل نکنیم:
روی زیبا دو برابر شده است.
چه گوارا این آب!
چه زلال این رود!
مردم بالادست، چه صفایی دارند!
چشمه‌هاشان جوشان، گاوهاشان شیرافشان باد!
من ندیدم دهشان،
بی‌گمان پای چپرهاشان جا پای خداست.
ماهتاب آن‌جا، میکند روشن پهنای کلام.
بی‌گمان در ده بالادست، چینه‌ها کوتاه است.

مهدی اخوان ثالث (آغاز شعر زمستان)

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
سرها در گریبان است
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک و لغزان است
وگر دست محبت سوی کس یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرما سخت سوزان است
نفس کز گرمگاه سینه میآید برون ابری شود تاریک
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت
نفس کاین است پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک
مسیحای جوانمرد من ای ترسای پیر پیرهن چرکین
هوا بس ناجوانمردانه سرد است آی
دمت گرم و سرت خوش باد
سلامم را تو پاسخ گوی در بگشای

فریدون مشیری (آغاز شعر کوچه)
بی تو، مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم
همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم
شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم
شدم آن عاشق دیوانه که بودم!
در نهانخانه جانم گل یاد تو درخشید
باغ صد خاطره خندید
عطر صد خاطره پیچید
یادم آید که شبی با هم از آن کوچه گذشتیم
پر گشودیم و در آن خلوت دلخواسته گشتیم
ساعتی بر لب آن جوی نشستیم
تو همه راز جهان ریخته در چشم سیاهت
من همه محو تماشای نگاهت
آسمان صاف و شب آرام
بخت خندان و زمان رام
خوشهٔ ماه فرو ریخته در آب
شاخه ها دست برآورده به مهتاب

جدول جزئیات

برای آن‌که مراحل مختلف این پژوهش قابل ردیابی و صحت‌سنجی باشد، فهرست تمام کلمات این شش قطعه شعر و متن را با دسته‌بندی بار ارزشی و نوع دستوری آورده‌ایم. در مواردی که علت ارزشگذاری مبهم یا دشوار بوده، توضیحی کوتاه در پرانتز آورده‌ایم.

بار منفی

اسم: ابری، افسوس، افیون، اکراه، اندوه، انزوا، آه، آوار، بیرون، پا، پاشنه، پای، تنهایی، جدار، خشکی، خوره، خون، درد، دیوار، ذره (به خاطر القای مفهوم حقارت)، زخم، سرما، سنگ، شراب (در متن هدایت به معنای منفی و زایل‌کنندهٔ آگاهی به کار رفته است)، شمشیر، غم، فراموشی، فرودست، گرگ، گل، مرگ، مواد، نهانخانه، هجران.

حرف: اگر، شاید. (به خاطر القای مفهوم تردید.)

صفت: ابری، باورنکردنی، پیر، تاریک، تلقی، تمسخرآمیز، تنها، چرکین، خشک، خشکیده، خلوت (هر چه که القای مفهوم نیستی داشته باشد منفی محسوب شده)، خونین، دور، دیوانه، سخت، سرد، سوزان، سوگواران، شکاک، عجیب، کم، کوتاه، لغزان، مخدره، مصنوعی، مغموم، موقت، ناجوانمردانه.

فعل: ایستد، فروپوشیده، گریند، میتراشد، میترکد، نتواند، ندیدم، نکرده، نکنیم، نمی‌خواهند، نمی‌شود، نیارد، نیست.

قید: برده، برون، بی، بیرون، فرو (به خاطر القای مفهوم سقوط)، نه.

بار مثبت

اسم: آب، آبادی، اسفندیار، آشیل، اظهار، آهن، باران، باغ، بساط، بشر، بغل، بها، بیشه، پاسخ، پَر، تن، جا، جام، جان، جوار، چشم، چشمه، چینه، خاطره، خاک، خانه، خدا، خواب، داروگ، دارو، دست، دل، دَم، دنده، ده، دوست، دید، دیدار، ره، روح، رود، روز، روشن، زن، زندگی، زیبایی، ساحل، سپیدار، سر، سعی، سلام، سیره، سینه، شب، شوق، شیر، صفا، عشق، عطر، عقاید، قاصد، قلب، کشت، کشتگاه، کفتر، کلام، کوچه، کوه، گاو، گرمگاه، گُل، گلو، لب، لبخند، لیلا، ماهتاب، مجنون، محبت، مرد، مسیحا، مصرع، مهتاب، نان، نشاط، نظر، نفس، نگه، هدیت، همسایه، هوا، وجود، وسیله، یاد، یار. (توضیح: هر آنچه که نشان از زندگی و موجود زنده داشته باشد، مثبت محسوب شده؛ مثل اعضای بدن، اسمهای خاص، حیوانات و ... . به همین ترتیب، مظاهر طبیعت به طور پیش‌فرض مثبت هستند؛ مثل روز، شب، کوه، رود و ...)

حرف: روی. (به خاطر القای مفهوم برتری)

صفت: آهسته (در مقابل شتابان مفهوم طمأنینه و آرامش را القا میکند)، بالادست، بایسته‌تر، بی‌گمان، پُر، پهنای، پیدا، تاثیر، جاری، جوانمرد، جوشان، چاره، خوش، درویشی، دلخواسته، دوائی، روان، رویینه‌تنی، زلال، زیبا، سبز، شایسته، شیرافشان، شیرین، شیوا، صد (به خاطر القای مفهوم کثرت)، عاشق، گرم، گوارا، لبریز، نادر، هفت (عدد مقدس که مفهوم کثرت را نیز القا میکند).

فعل: است، افکند، آمد، آورد، آید، باد، باشی، بشاید، بشمارند، بکنند، بگشای، بگوید، بنویسد، بود، بودم، پیچید، خندید، دارد، دارند، داری، در نوشت، درخشید، شد، شدم، شنیدم، شوید، کرد، گذشتم، گذشتیم، گشتم، گشتیم، گشودیم، گفت، گوی، میآید، میخواست، میخورد، میرسد، میرود، میشوید، میکند، میکنند، میگردد، میگفت، میگویند، نازم، نشیند، هست، هستم، یازی. (توضیح: افعالی که مفهومی ایجابی دارند و نشانگر حرکتی هستند، نشان از زندگی و نشاط دارند و مثبت محسوب میشوند.)

قید: برابر، بس، درون، نزدیک.

بار خنثی

اسم: اتفاق، اطاق، آنجا، پیرهن، پیش‌آمد، چپر، دنبال، راز، رخت، سبیل، سرنوشت، عادت، کس، کسی، کوزه‌ای، کومه، گریبان، گونه، مردم، مضمون، میان، میدان، میش، نام، نی.

حرف: از، با، بر، به، تا، توسط، جز، جزو، چه، در، را، ز، زیرا، سوی، کز، که، مثل، و، ولی، یا.

صفت: آن، این، ترسا، خیره، دو.

صوت: آی، ای.

ضمیر: ت، تو، خودشان، ش، شان، م، من. (توضیح: با توجه به بافت جملات، اغلب ضمایر بار معنایی مثبت پیدا میکنند؛ اما در این پژوهش، هویت کلمه خارج از جمله بررسی میشود؛ لذا ضمایر خنثی محسوب شده‌اند.)

فعل: شده، شود.

قید: آنک، باز، پس، پیش، چنان، چو، چون، دگر، دیگر، دیگرگونه، عموما، کی، هم، همه، هنوز.

نمودارها و تحلیل

حال بسامد بارهای ارزشی در ۶ قطعه را ببینیم:

بار/ شاعر	اخوان	سهراب	شاملو	مشیری	نیما	هدایت	جمع
مثبت	۴۸	۵۸	۳۹	۳۸	۲۹	۳۰	۲۴۲
خنثی	۴۰	۲۶	۴۶	۲۶	۲۳	۴۸	۲۰۹
منفی	۲۲	۲۰	۱۷	۴	۱۶	۲۳	۱۰۲
جمع	۱۱۰	۱۰۴	۱۰۲	۶۸	۶۸	۱۰۱	۵۵۳

با توجه به تفاوت تعداد واژه‌ها، راه بهتر برای سنجش عادلانه، درصد گیری است:

بار/ شاعر	اخوان	سهراب	شاملو	مشیری	نیما	هدایت
مثبت	٪۴۴	٪۵۶	٪۳۸	٪۵۶	٪۴۳	٪۳۰
خنثی	٪۳۶	٪۲۵	٪۴۵	٪۳۸	٪۳۴	٪۴۸
منفی	٪۲۰	٪۱۹	٪۱۷	٪۶	٪۲۴	٪۲۳

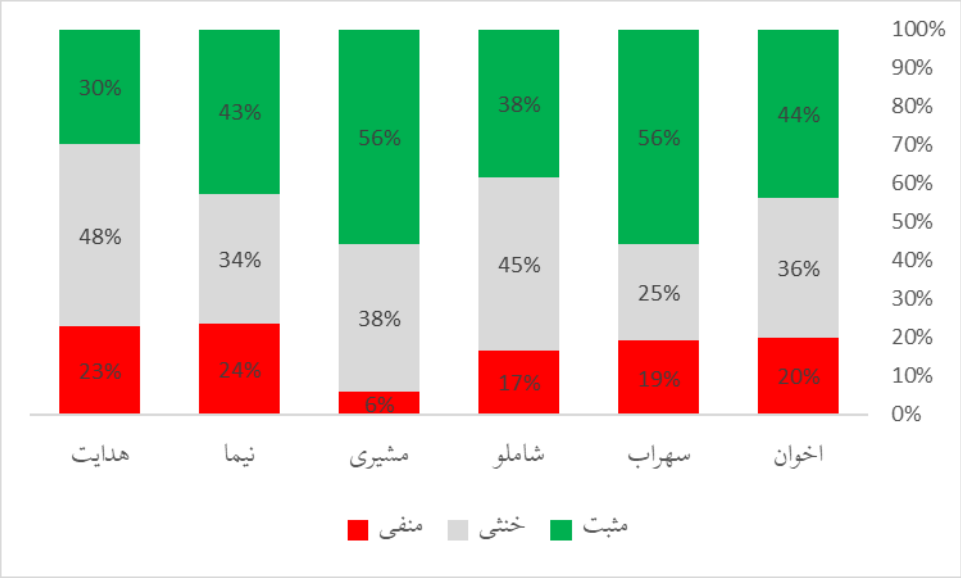

چنان که مشهود است، نتایج این پژوهش با فهم کلی اهل ادبیات از این شاعران و نویسندگان هم‌خوانی دارد. نیما و هدایت بیشترین واژه‌های منفی را دارند و مشیری شادترین شاعر است. سؤالی که پیش میآید این است که آیا به راستی، نیما از هدایت منفی‌باف‌تر است؟ آیا سهراب و اخوان به یک‌اندازه منفی‌نگری دارند؟ در جواب، باید بخش مثبت و منفی این شاعران را با هم سنجید. اگر بخش خنثی را حذف کنیم و فقط مثبت و منفیها را با هم بسنجیم، به این نمودار میرسیم:

بار / شاعر	اخوان	سهراب	شاملو	مشیری	نیما	هدایت
منفی	٪۳۱	٪۲۶	٪۳۰	٪۱۰	٪۳۶	٪۴۳
مثبت	٪۶۹	٪۷۴	٪۷۰	٪۹۰	٪۶۴	٪۵۷
جمع	٪۶۴	٪۷۵	٪۵۵	٪۶۲	٪۶۶	٪۵۲

چنان که دیده میشود، هدایت با ۴۳٪ در صدر بدبینی است و نیما با ۳۶٪ در پی اوست. اخوان و شاملو بسیار نزدیک به هم هستند؛ اما آنچه که باعث میشود ذائقهٔ عمومی اهل ادبیات، شاملو را مثل اخوان بدبین و مأیوس نداند[۱]، این است که اخوان معمولا با ذکر خوبیها شروع میکند و در پایان به پوچی میرسد اما شاملو از ذکر پستیها و پلشتیها شروع میکند و در پایان به قیام برای تغییر وضعیت دعوت میکند. دو نمونه از هر کدام از این دو ببینیم:

اخوان:

گر ز چشمش پرتو گرمی نمی‌تابد/ ور برویش برگ لبخندی نمی‌روید / باغ بی برگی که میگوید که زیبا نیست / داستان از میوه‌های سربه گردون‌سای اینک خفته در تابوت پست خاک میگوید. (اخوان ثالث: شعر باغ بی‌برگی)

شاملو:

نه! / هرگز شب را باور نکردم / چرا که در فراسوی دهلیزش / به امید دریچه‌ای / دل بسته بودم. (شاملو ۱۳۷۸: ۴۴۴)

---

[۱]- برای قیاس فهم اهالی ادبیات از اخوان و شاملو، عنوان و عباراتی از چند مقاله را شاهد میآوریم:

- نقش ارتباط های غیر کلامی شعر اخوان ثالث در القای اندیشهٔ یأس و ناامیدی. (پریوش میرزاییان و همکاران)
- مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث. (علی‌محمد پشت‌دار و حمیدرضا نان‌آور)
- م. امید (مهدی اخوان ثالث) در میانه‌های یأس و امید (علی احمدپور)
- ناامیدی‌های م. امید (مهدی اخوان ثالث). (محمد میرزایی)
- هستی‌شناسی شعر احمد شاملو با تأکید بر سه مفهوم انسان، زندگی و مرگ. (هیوا نادری و همکاران)
- بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار احمد شاملو. (علیرضا عرب بافرانی)

بررسی عنصر عاطفه در شعر احمد شاملو. (سیدحسن شریفی و همکاران)

برای نشان دادن روند ارزشی این دو شعر، ابتدا بار معنایی کلمات را مشخص کردیم و برای هر ارزشی معادل عددی در نظر گرفتیم:

مثبت: ۱+ / خنثی: ۰ / منفی: ۱-

بعد هر عدد را به عدد قبلی افزودیم:

جدول بار ارزشی شعر باغ بی‌برگی (اخوان)							
واژه	بار ارزشی	عدد	روند		واژه	بار ارزشی	عدد	روند
گر	منفی	۱-	۱-		می‌گوید	مثبت	۱	۳
ز	خنثی	۰	۱-		که	خنثی	۰	۳
چشم	مثبت	۱	۰		زیبا	مثبت	۱	۴
ش	خنثی	۰	۰		نیست	منفی	۱-	۳
پرتو	مثبت	۱	۱		داستان	خنثی	۰	۳
گرمی	مثبت	۱	۲		از	خنثی	۰	۳
نمی‌تابد	منفی	۱-	۱		میوه‌های	مثبت	۱	۴
ور	منفی	۱-	۰		سر	مثبت	۱	۵
به	خنثی	۰	۰		به	خنثی	۰	۵
روی	مثبت	۱	۱		گردون‌سای	مثبت	۱	۶
ش	خنثی	۰	۱		اینک	خنثی	۰	۶
برگ	مثبت	۱	۲		خفته	منفی	۱-	۵
لبخندی	مثبت	۱	۳		در	خنثی	۰	۵
نمی‌روید	منفی	۱-	۲		تابوت	منفی	۱-	۴
باغ	مثبت	۱	۳		پست	منفی	۱-	۳
بی‌برگی	منفی	۱-	۲		خاک	منفی	۱-	۲
که	خنثی	۰	۲		می‌گوید	مثبت	۱	۳

جدول بار ارزشی شعر ص ۴۴۴ (شاملو)

واژه	بار ارزشی	عدد	روند	واژه	بار ارزشی	عدد	روند
نه	منفی	۱-	۱-	فراسوی	خنثی	۰	۳-
هرگز	منفی	۱-	۲-	دهلیز	منفی	۱-	۴-
شب	منفی	۱-	۳-	ش	خنثی	۰	۴-
را	خنثی	۰	۳-	به	خنثی	۰	۴-
باور	مثبت	۱	۲-	امید	مثبت	۱	۳-
نکردم	منفی	۱-	۳-	دریچه‌ای	مثبت	۱	۲-
چرا که	خنثی	۰	۳-	دل	مثبت	۱	۱-
در	خنثی	۰	۳-	بسته بودم	مثبت	۱	۰

تفاوت روند حرکتی در شعر شاملو و اخوان در نمودار بیشتر به چشم میآید:

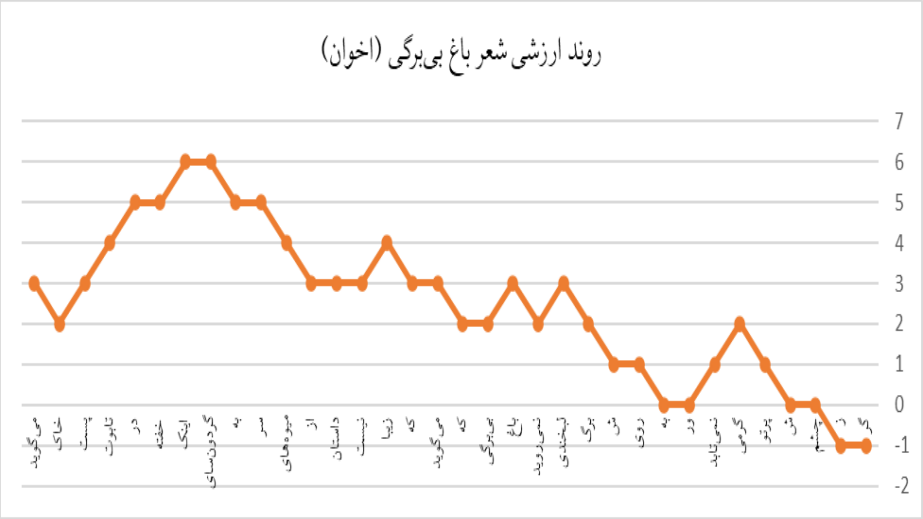

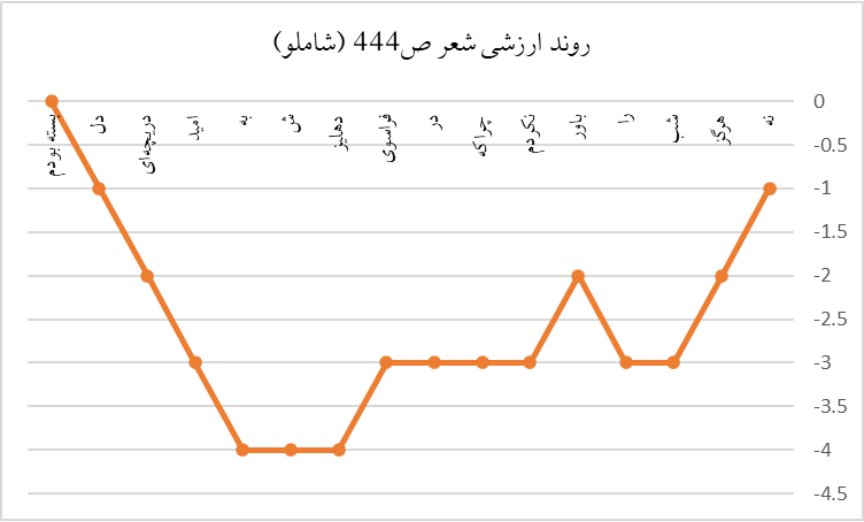

هر دو نمودار از راست به چپ ترسیم شده‌اند. در شعر اخوان، کار از ۱- شروع میشود و تا ۶ بالا میرود؛ یعنی رو به امید حرکت میکند؛ اما در پایان ناگهان با سقوط ۴ پله‌ای به ۲ میرسد. این یعنی تلخی در نتیجه و پایان‌بندی. همین تلخی است که در کام مخاطب میماند و ذهنیتش دربارهٔ شعر اخوان را شکل میدهد.

در نمودار شعر شاملو داستان کاملا به عکس است. او از ۱- شروع میکند و تا ۴- فرو میرود؛ اما در پایان به ناگاه با ۵ پله صعود به جایی میرسد که رفیعترین فراز شعر است؛ در واقع شعر در اوج مثبت‌اندیشی به پایان میرسد.

اینها نمونه‌هایی ناقص بود که پاره‌ای از میانهٔ یک شعر را انتخاب کرده بودیم. ممکن است این گزینش جهت‌دار باشد و روایی آزمون را خدشه‌دار کند. برای آزمودن بیشتر، سه قطعه شعر کامل از هر کدام از این دو شاعر را دوباره آزمودیم و به همان نتایج رسیدیم. در واقع بخش پایانی شعر در آثار شاملو همیشه روبه بالا و در آثار اخوان همیشه رو به پایین است. تعداد واژه‌های این ۶ شعر زیاد است و نوشته را حجیم میکند. برای فهم بهتر، علاوه بر ترسیم نمودار روند بار ارزشی، چند واژهٔ پایانی این شعرها و بار معنایی آنها را میبینیم.

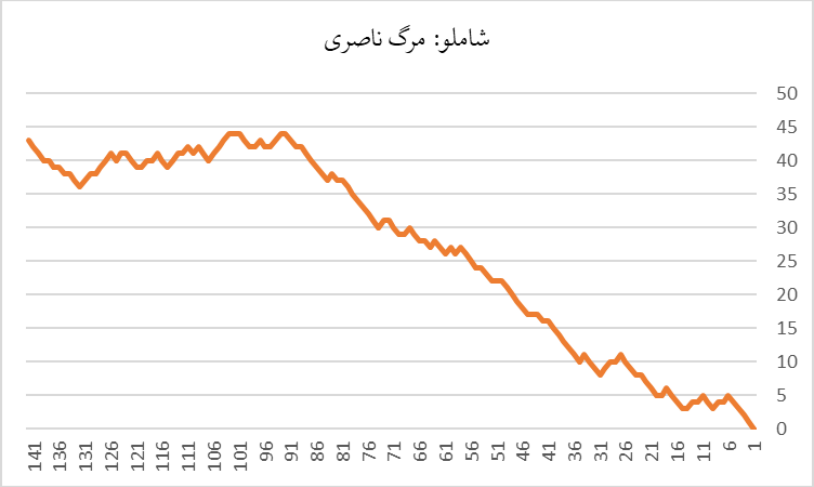

	سوگواران	به	خاک	پشته	بر	شدند	و	خورشید	و	ماه	به	هم	بر	آمد
ارزش واژه	-۱	۰	-۱	-۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱
ارزش متن	-۱	-۱	-۲	-۳	-۲	-۱	-۱	۰	۰	۱	۱	۲	۳	۴

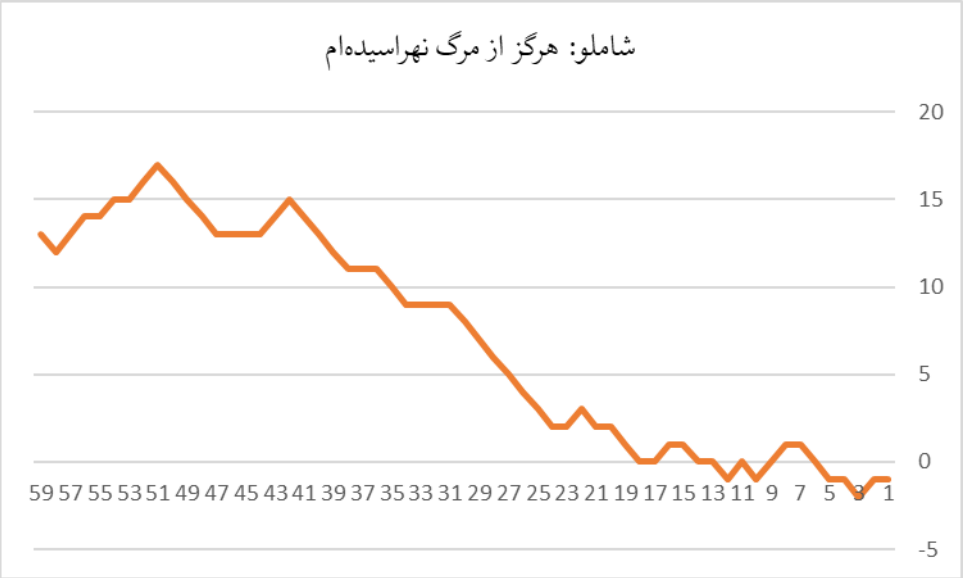

	حاشا	حاشا	که	هرگز	از	مرگ	هراسیده	باشم
ارزش واژه	-۱	-۱	۰	-۱	۰	-۱	-۱	۱
ارزش متن	-۱	-۲	-۲	-۳	-۳	-۴	-۵	-۴

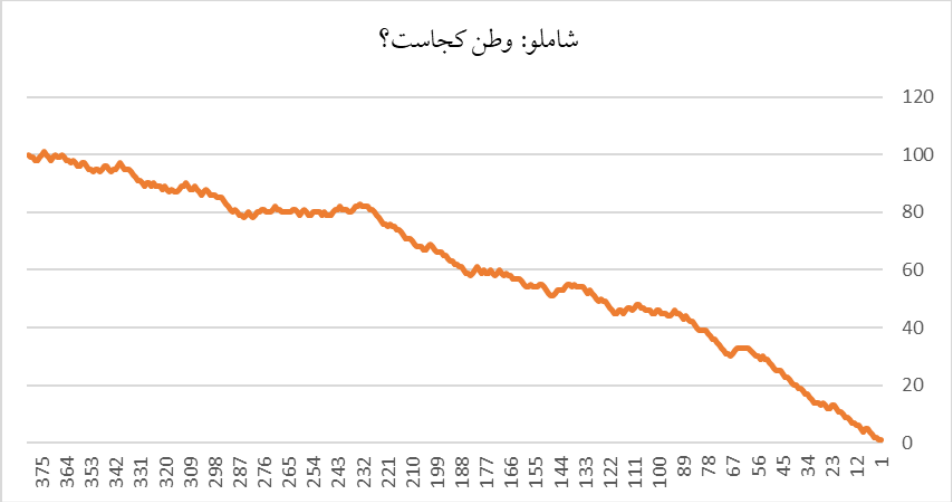

	آه	اگر	آزادی	سرودی	می‌خواند	کوچک	کوچکتر	حتا	از	گلوگاه	یکی	پرنده!
ارزش واژه	-۱	-۱	۱	۱	۱	-۱	-۱	-۱	۰	۱	۰	۱
ارزش متن	-۱	-۲	-۱	۰	۱	۰	-۱	-۲	-۲	-۱	-۱	۰

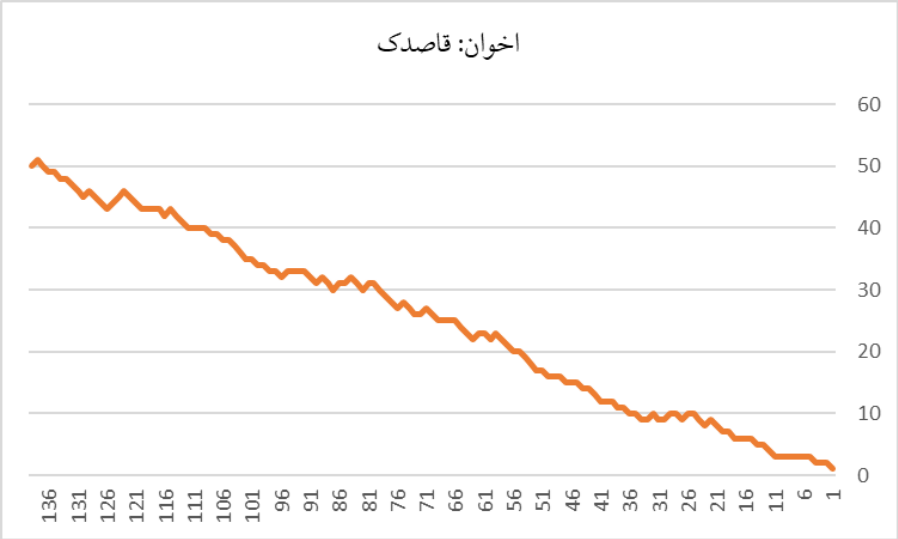

	ابرهای	همه	عالم	شب	و	روز	در	دل	من	می گریند
ارزش واژه	-۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	-۱
ارزش متن	-۱	۰	۱	۲	۲	۳	۳	۴	۵	۴

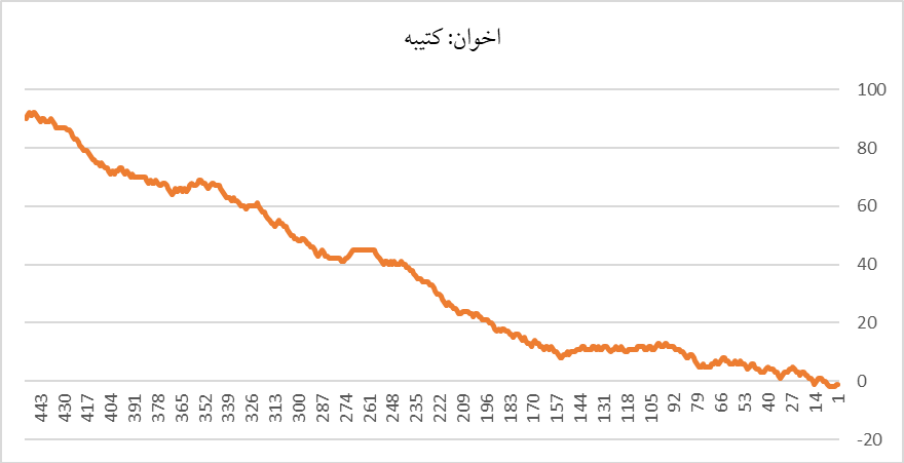

	نشستیم	و	به	مهتاب	و	شب	روشن	نگه	کردیم	و	شب	شط	علیلی	بود
ارزش واژه	-۱	۰	۰	۱	۰	-۱	۱	۱	۱	۰	-۱	۱	-۱	-۱
ارزش متن	-۱	-۱	-۱	۰	۰	-۱	۰	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۰

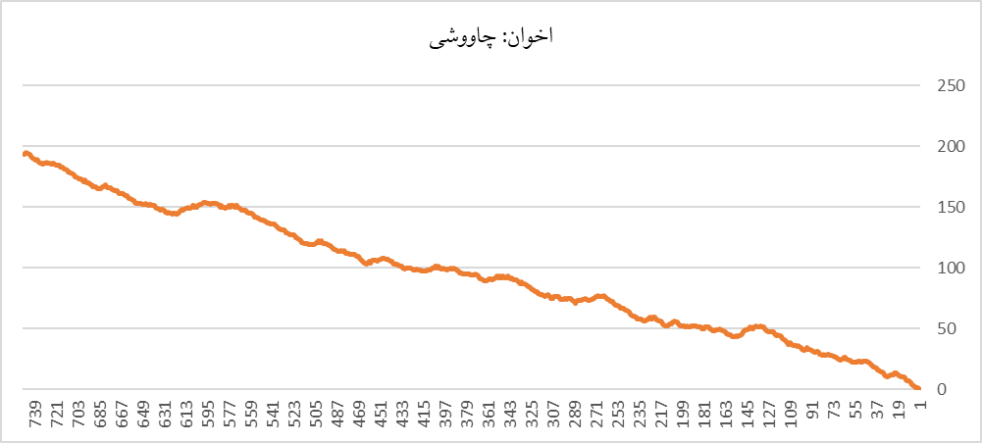

	من	اینجا	بس	دل	م	تنگ	است	بیا	ره	توشه	برداریم	قدم	در	راه	بی فرجام	بگذاریم
ارزش واژه	۱	۰	۱	۱	۱	-۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	-۱	-۱
ارزش متن	۱	۱	۲	۳	۴	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۹	۱۰	۹	۸

چنان که ملاحظه میشود، در هر سه شعر شاملو، واژهٔ پایانی روند صعودی دارد و جهت نمودار، روبه بالا به پایان میرسد و در هر سه شعر اخوان، شعر با روندی نزولی پایان مییابد. گویی شاملو زشتیها و سختیها را بیان میکند و در پایان امیدواری میدهد که چنین نخواهد ماند و اخوان خوبیها و دلخوشیها را نشان میدهد و در پایان ناپایداری این خوشیها را یادآوری میکند و کام خواننده را تلخ میکند.

جمع‌بندی

در آغاز نظریات زبان‌شناسان در باب معنای ضمنی، طنین معنایی، بار معنایی و بار ارزشی مرور شد. آنگاه مطرح شد که در ادبیات و خصوصا شعر و به طور خاص شعر نمادگرای معاصر، بسیاری از واژه‌ها در معنای صریح خود به کار نمی‌روند و هرآنچه که در باب معنای ضمنی و بار ارزشی گفته میشود به معنای تلمیحی، تأویلی و نمادین آنها اشاره دارد.

پس از این مقدمات، این ادعا طرح شد که در شعر معاصر، قبل از معنای ضمنی، حتی خود معنای صریح و قاموسی واژه‌ها نیز میتواند طنین معنایی و بار ارزشی متن را تا حدود زیادی مشخص کند. برای اثبات این ادعا، ابتدا از طریق مرور مقالات مربوط به هر شاعر و نویسنده و دانستن ذائقهٔ عمومی مخاطبان ادبیات معاصر، میزان تقریبی امیدواری و ناامیدی در شاعران و نویسندگان معاصر تعیین شد. بعد ۶ قطعه از مشهورترین سروده‌ها و نوشته‌های معاصران بررسی شد و بار معنایی واژه‌های هر متن، در معنای قاموسی، مشخص شد. برای تطبیق نتایج فرضیه با داده‌های برآمده از مقالات، فرضیات مختلفی بررسی شد و در نهایت این گزاره‌ها به دست آمد:

۱. اگر حرکت را نشان زندگی و امید بدانیم، اغلب افعال، بار معنایی مثبت دارند و آثار ادبی، حتی منفی‌نگرترین آنها، مثل داستانهای هدایت و اشعار نیما، بیشتر متضمن زندگی و پویایی‌اند تا ایستایی و مرگ.

۲. ذائقهٔ مخاطبان، واژه‌های خنثی را حس نمی‌کند و اگر فقط بار معنایی مثبت و منفی را با هم بسنجیم و خنثی را حذف کنیم، نتایج ملموس‌تر و واقعی‌تر میشود.

مهمتر از تعداد واژه‌های مثبت و منفی، ترتیب قرار گرفتن آنها در متن است. این نکته با مقایسهٔ شعر اخوان و شاملو بیشتر آشکار شد. در این مقایسه به دو قاعدهٔ مهم رسیدیم:

۳. بار معنایی واژه‌ها در خلأ رها نمی‌شوند؛ بلکه به بار معنایی واژهٔ قبلی اضافه میشوند و بدین ترتیب، روند ارزشی متن را میسازند. با توجه به شیوه‌ای که در تقسیم‌بندی ارزش واژه‌ها برگزیدیم و هر گونه حرکتی را مثبت در نظر گرفتیم، روند ارزشی عمدهٔ جملات صعودی است و اغلب متون روندی مثبت دارند. این با انگارهٔ مشهوری که زبان و گفتار را معادل فکر کردن و زندگی میداند، سازگاری دارد.

۴. مهمترین جای نمودار ارزشی متون، بخش پایانی آنهاست. در واقع صعودی یا نزولی بودن قطعهٔ پایانی نمودار و واژه‌های آخر متن، اصلی‌ترین عنصر تعیین بار ارزشی کل متن است.

طبیعی است که نتایج این پژوهش نیاز به راستی‌آزمایی بیشتر دارند تا قابل اعتمادتر شوند. حاصل این پژوهش در سبک‌شناسی رایانشی و پردازش متون با هوش مصنوعی میتواند کاربرد داشته باشد.

مشارکت نویسندگان:

آقای دکتر رضا بیات بعنوان نویسنده مسئول و خانم وجیهه اولیاء زاده بعنوان پژوهشگر این جستار گردآوری داده‌ها و تنظیم نهایی متن را انجام داده است و در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو

پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

با سپاس از عنایت خداوند متعال و آرزوی توفیق فرهیختگان عرصه علم و دانش در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و گروه محترم زبان و ادبیّات فارسی این دانشگاه و کارکنان و مسؤولین محترم نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی(بهار ادب).

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریج داخلی و خارجی به چاپ نرسیده است و حاصل فعالیّتهای پژوهشی نویسندگان یاد شده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. در این پژوهش کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچگونه تخلف و تقلّبی در نگارش آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسندهٔ مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده دارند.

REFERENCES

Ahmadpour, Ali. 2009. M. Hope (Mahdi Akhwan Al-Talihi) in the middle of despair and hope". Baharestan Sokhon. 14. pp. 71-90.

The Third Brotherhood, Mahdi. 1400. The complete text of ten books of poetry by Mahdi Akhwan Al-Talihi (2 volumes). Tehran: Winter.

Pushtdar, Dr. Ali Mohammad; Bread maker, Hamidreza. 2017. "The Concept of Pain and Suffering in Mehdi's Poetry of the Third Brotherhood". Ormazd's research journal. Sh43. pp. 7-21.

Hosseini Masoum, Seyyed Mohammad. 2013. "Investigating and describing the semantic resonance and implicit meaning of the word in the semantic system of words and collocations in the Persian language". Linguistics and dialects of Khorasan. Mashhad: Ferdowsi University. Fall and Winter 2013. Vol. 7, pp. 1-22.

Sepehri, Sohrab. 2000. Eight books. Tehran: Tahori.

Shamlou, Ahmed. 1999. The collection of works of Ahmad Shamlou, book 1: poetry. Tehran: Zamane.

Sharifi, Seyedhasan; Mushfaqi, Arash; Hajjaji Kahjuq, dear. 2019. "Study of the emotional element in Ahmed Shamlou's poetry". Baharestan Sokhon. Sh47. pp. 87-106.

Abbasi, Ali. 2013. Structures of the imagination system from the perspective of Gilbert Doran: function and methodology of imagination. Tehran: Scientific and Cultural.

Arab Bafrani, Alireza. 2018. "Investigation of the nature and concept of pain and suffering in the poems of Ahmed Shamlou". Literary studies and research. No. 14 and 15. pp. 135-153.

Moshiri, Fereydoun. 2015. Selection of poems. Tehran: Negah and Mehraayin.

Mirzaei, Mohammad. 2018. "The disappointments of M. "Omid" Hafez Numbers 60-63 (four connected articles).

Mirzaian, Paryosh; Safari, Jahangir; Banitalebi Dehkordi, Amin. 2018. "The role of non-verbal communication in the poetry of the Third Brotherhood in inducing the thought of hopelessness and despair". Persian Language and Literature. Sh87. pp. 257-284.

Naderi, Hiva; Khaledian, Mohammad Ali; Abbaspour Esfadan, Hassan Ali. 1401. "Ontology of Ahmed Shamlou's poetry with emphasis on the three concepts of man, life and death". Islamic Azad University of Sanandaj. Persian Language and Literature. Sh53. pp. 322-338.

Nima Yoshij. 1996. The complete collection of Nima Yoshij's poems. Edited by Sirus Tahbaz. Tehran: Look.

Hedayat, Sadiq. 2021. Blind owl. Tehran: Sadegh Hedayat.

فهرست منابع فارسی

احمدپور، علی. ۱۳۸۸. م. امید (مهدی اخوان ثالث) در میانه‌های یأس و امید». بهارستان سخن. ش۱۴. صص ۷۱-۹۰.

اخوان ثالث، مهدی. ۱۴۰۰. متن کامل ده کتاب شعر مهدی اخوان ثالث (۲ جلدی). تهران: زمستان.

پشت دار، دکتر علی محمد؛ نان آور، حمیدرضا. ۱۳۹۷. «مفهوم درد و رنج در شعر مهدی اخوان ثالث». پژوهشنامهٔ اورمزد. ش۴۳. صص۷-۲۱.

حسینی معصوم، سید محمد. ۱۳۹۱. «بررسی و توصیف طنین معنایی و معنی ضمنی واژه در نظام معنایی واژگان و همنشینیها در زبان فارسی». زبانشناسی و گویشهای خراسان. مشهد: دانشگاه فردوسی. پاییز و زمستان ۱۳۹۱. ش ۷. صص۱-۲۲.

سپهری، سهراب. ۱۳۷۹. هشت کتاب. تهران: طهوری.

شاملو، احمد. ۱۳۷۸. مجموعه آثار احمد شاملو، دفتر یکم: شعر. تهران: زمانه.

شریفی، سیّدحسن؛ مشفقی، آرش؛ حجاجی کهجوق، عزیز. ۱۳۹۹. «بررسی عنصر عاطفه در شعر احمد شاملو». بهارستان سخن. ش۴۷. صص ۸۷-۱۰۶.

عباسی، علی. ۱۳۹۰. ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران: کارکرد و روش شناسی تخیل. تهران: علمی و فرهنگی.

عرب بافرانی، علیرضا. ۱۳۸۸. «بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار احمد شاملو». مطالعات و تحقیقات ادبی. ش۱۴ و ۱۵. صص۱۳۵-۱۵۳.

مشیری، فریدون. ۱۳۸۵. گزیدهٔ اشعار. تهران: نگاه و مهرآیین.

میرزایی، محمد. ۱۳۸۸. «ناامیدیهای م. امید (مهدی اخوان ثالث)». حافظ. شماره‌های ۶۰- ۶۳ (چهار مقالهٔ به هم پیوسته).

میرزاییان، پریوش؛ صفری، جهانگیر؛ بنی‌طالبی دهکردی، امین. ۱۳۹۸. «نقش ارتباط های غیر کلامی شعر اخوان ثالث در القای اندیشهٔ یأس و ناامیدی». زبان و ادبیات فارسی. ش۸۷. صص۲۵۷-۲۸۴.

نادری، هیوا؛ خالدیان، محمدعلی؛ عباس‌پور اسفدن، حسن‌علی. ۱۴۰۱. «هستی‌شناسی شعر احمد شاملو با تأکید بر سه مفهوم انسان، زندگی و مرگ». دانشگاه آزاد اسلامی سنندج. زبان و ادبیات فارسی. ش۵۳. صص ۳۲۲- ۳۳۸.

نیما یوشیج. ۱۳۷۵. مجموعهٔ کامل اشعار نیما یوشیج. تدوین سیروس طاهباز. تهران: نگاه.

هدایت، صادق. ۱۴۰۰. بوف کور. تهران: صادق هدایت.

Leech, G. (1974). Semantics.Harmondsworth: Penguin.

Partington, A. (2004). '"Utterly content in each other's company": semantic prosody and semantic preference'. International Journal of Corpus Linguistics, 9/1: 131–156.

Prosody".Journal of English Linguistic; 35; 5.

Sinclair, J. (1996). 'The search for units of meaning'. Textus, 9: 75–106.

Stewart, Dominic. (2010). Semantic prosody: a critical evaluation. Routledge.

Stubbs,M. (1996). Text and Corpus Linguistics.Oxford : Blackwell.

Zhang, Changhu. (2007). "An Overview of Corpus-based Studies of Semantic

معرفی نویسندگان

وجیهه اولیاءزاده: کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

(Email: *29oliazadeh@gmail.com*)

(ORCID: 0009-0006-2903-6367)

رضا بیات: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

(Email: *bayat.dr@sru.ac.ir* :نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-8072-5516)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an poen access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Vajiheh Oliazadeh: Master's degree in Persian language and literature, Faculty of Humanities, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran.

(Email: *29oliazadeh@gmail.com*)

(ORCID: 0009-0006-2903-6367)

Reza Bayat: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran.

(Email: *bayat.dr@sru.ac.ir*: Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-8072-5516)